

درآمد:

زمین‌گیری دشمن با راهبردهای نو...

مروری بر تاریخچه جنایات شیمیایی عراق علیه ایران
و دفاع نیروی هوایی از آسمان کشور

تاریخ سیاه استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی چنان در ذهن و ضمیر انسان‌ها باقی مانده که هیچ‌گاه لکه ننگ آن از دامن استفاده‌کنندگان آنها پاک نخواهد شد. رژیم صدام در زمان جنگ با ایران از این بمب‌ها استفاده کرد و شمار زیادی از هموطنان بی‌گناه ما را به کام مرگ فرستاد. مطلب حاضر می‌کوشد، تاریخچه جنایات شیمیایی عراق علیه ایران و دفاع نیروی هوایی از آسمان کشور را به اختصار مورد بررسی و تحقیق قرار دهد تا اهمیت جانفشانی‌ها، ایثار و ترغندها و تمهیداتی را که شهید بابایی‌ها و امثال او در پاسداری از مرزهای جغرافیایی و ارزش‌های اعتقادی مردم این سرزمین از خود بر جا گذاشته‌اند پیش از پیش نمایان شود.

و سایر اجتماعات رسمی کشورهای عضو کنوانسیون است. هر چند که مواد سمی و کشنده حتی در جنگ‌های باستان برای از پا آوردن دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی به شکل مدرن آن در جنگ اول جهانی رخ داد.

در روز ۲۲ آوریل ۱۹۱۵ که در شهر ایبر بلژیک، ارتش آلمان با استفاده از کپسول‌های محتوی گاز خفه‌کننده کلر هزاران نفر از سربازان متفقین را در جبهه مخالف از پای درآورد و از آن پس طرفین درگیر به صورت مکرر و در مقیاس وسیع از انواع سلاح‌های شیمیایی علیه یکدیگر استفاده کردند؛ این روز به عنوان روز تولد جنگ شیمیایی نام گرفت.

در طول همین جنگ بود که برای اولین بار عامل شیمیایی ناتوان‌کننده خردل (سولفور موستارد) که به عنوان عامل تاول‌زا نیز شناخته می‌شود توسط ارتش آلمان مورد استفاده واقع شد. (۱۹۱۷- جبهه ایبر در بلژیک)

تلفات هولناک سلاح‌های شیمیایی در جنگ اول جهانی فوق تصور بود؛ یک میلیون مصدوم و بیش از نود هزار کشته که حاصل به کارگیری حدود ۱۲۴ هزار تن انواع سلاح‌های مهلک و ناتوان‌کننده شیمیایی بود.

هر چند با امضای پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، کاربرد این سلاح‌ها بعد از جنگ جهانی ممنوع اعلام گردید، اما در فاصله بین دو جنگ جهانی بسیاری از کشورهای دنیا به توسعه، تولید و انباشت سلاح‌های شیمیایی ادامه دادند. با این حال، با کمال تعجب در طول نبردهای خونین جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵-۱۹۳۹) از سلاح شیمیایی استفاده نشد که شاید دلیل آن هراس از مقابله به مثل کشورهای طرف جنگ و غیرقابل کنترل بودن عواقب و تلفات ناشی از این سلاح‌های مخوف بود.

(برخی مورخان معتقدند از آنجا که هیتلر خود در جنگ اول جهانی هنگامی که در ارتش آلمان خدمت می‌کرد در اثر مصدومیت با گاز خردل آسیب دید و به دلیل تجربه تلخ صدمات ناشی از این سلاح‌ها از کاربرد آن در جنگ دوم جهانی امتناع کرد.)

هر چند در طول سال‌های بین دو جنگ و پس از جنگ دوم جهانی در برخی نقاط دنیا به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد، اما در عمل تا پیش از تجاوز عراق به ایران از این سلاح‌ها به صورت وسیع در هیچ جنگی استفاده نشد.

ایران: قربانی بمب شیمیایی

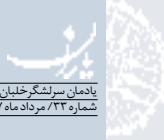
تهاجم گسترده ارتش عراق به جمهوری اسلامی ایران در ۳۱ شهریور ماه ۱۳۵۹ منجر به اشغال بخش‌های وسیعی از خاک ایران

سلاح‌های بیولوژیک (میکروبی) که به کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک (BWC) معروف است را آماده کرد. این کنوانسیون به صراحت کشورهای عضو متعهد می‌سازد مذاکرات خود را تا حصول این معاهده بین‌المللی برای منع سلاح‌های شیمیایی دنبال کنند و لذا از همان زمان مذاکرات مربوط به تهیه متن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به صورت جدی آغاز شد. به دنبال نزدیک به ۲۰ سال مذاکرات فشرده در «کنفرانس خلع سلاح» سرانجام متن نهایی کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی نیز در سال ۱۹۹۲ آماده و مورد توافق اعضا واقع گردید. این کنوانسیون در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ طی مراسمی در پاریس به امضای ۱۳۰ کشور جهان و سپس به امضای دبیرکل سازمان ملل نیز رسید. کشورهای امضاکننده این کنوانسیون می‌بایست آن را در مجالس خود نیز به تصویب برسانند و بر اساس مفاد کنوانسیون، ۱۸۰ روز پس از به تصویب رسیدن کنوانسیون توسط شصت و پنجمین کشور عضو، این کنوانسیون لازم‌الاجرا خواهد شد. بدین ترتیب

در طول جنگ جهانی اول جهان شاهد هولناک‌ترین کشتارهای ناشی از کاربرد سلاح‌های شیمیایی بود. تلفات بی‌شمار و حملات وسیع شیمیایی با به کارگیری شیوه‌های نوین کاربرد گازها و مواد سمی مهلک و ناتوان‌کننده در این جنگ باعث بروز نگرانی‌های عمیقی در سطح جهان گردید و منجر به انعقاد یکی از معروف‌ترین معاهدات بین‌المللی عدم کاربرد سلاح‌های شیمیایی؛ یعنی «پروتکل ۱۹۲۵» ژنو شد که در آن کاربرد گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و نیز شیوه‌های جنگ میکروبی منع شده است. اکثر کشورهای جهان از جمله ایران و عراق این پروتکل را امضا کردند. با وجود امضای این پروتکل توسط بسیاری از کشورهای جهان، این معاهده دارای نقصان بسیار بزرگی بود و آن اینکه تنها ناظر به ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی یا میکروبی بود و توسعه، تولید و انباشت این سلاح‌ها را منع نمی‌کرد. به علاوه بسیاری از کشورهای جهان این پروتکل را با این تبصره امضا کردند که حق کاربرد سلاح‌های شیمیایی را علیه کشورهای غیرعضو پروتکل و نیز مقابله به مثل در صورت حمله شیمیایی به کشورشان را برای آنان مجاز می‌دانست.

در روز ۲۹ آوریل ۱۹۹۷ کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی به طور رسمی لازم‌الاجرا شد.

از زمان امضا شدن کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی تا لازم‌الاجرا شدن آن (۱۹۹۷-۱۹۹۳) مسئولیت فراهم کردن ساز و کارهای اجرایی شدن کنوانسیون و چگونگی آن به عهده کمیسیون مقدماتی بود که در لاهه استقرار داشت. با لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون در سال ۱۹۹۷ مسئولیت حسن اجرای مفاد کنوانسیون از جمله برنامه‌های راستی‌آزمایی و بازرسی‌ها و آموزش بازرسان و سایر امور اجرایی کنوانسیون به عهده سازمانی تحت عنوان «سازمان منع سلاح‌های شیمیایی» (OPWC) گذاشته شد که مقر آن در شهر لاهه هلند بوده و محل دائمی اجلاس‌های سالیانه



حملات شیمیایی عراق واقع شدند. در این حملات به طوری سابقه‌ای از انواع عوامل شیمیایی جنگی علیه مردم روستاها و شهرهای مرزی استفاده می‌شد. تنها در یکی از این حملات که در ۶۶/۱۲/۲۸ در منطقه مریوان رخ داد، روستاهای منطقه «قلعه جی» تا «دزلی» با بیش از ۳۰۰ بمب شیمیایی مورد هدف قرار گرفت و به روستاهای کوچک قلعه جی بیش از ۱۱ بمب شیمیایی اصابت کرد.

رژیم عراق همچنین در ماه‌های پایانی جنگ به صورت رسمی تهدید کرد که به زودی شهرهای بزرگ ایران از جمله تهران را با موشک‌های مجهز به کلاهک شیمیایی مورد حمله قرار خواهد داد. با تداوم این تهدیدها برنامه‌هایی برای دفاع غیرنظامی و آموزش مردم جهت آمادگی در مقابل حملات شیمیایی احتمالی به اجرا درآمد. حتی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیز از حملات شیمیایی رژیم عراق مصون نماندند. مراکزی که در کلیه جنگ‌ها و بر اساس اصول اولیه انسانی و قوانین بین‌المللی بایستی از حملات نظامی مصون باشند، رژیم عراق نه تنها این مراکز را بارها مورد بمباران و موشک‌باران قرار می‌داد، بلکه با فراتر نهداد و برخی از این مراکز را هدف بمباران شیمیایی قرار داد که منجر به شهادت و مصدومیت تعداد زیادی از بیماران و مجروحین تحت درمان و نیز پزشکان و پرستاران و پرسنل این مراکز گردید.

و نیز پزشکان و پرستاران و پرسنل این مراکز گردید. دو نمونه از بارزترین این جنایات عبارتند از:
بیماران شیمیایی بیمارستان صحرائی حضرت فاطمه (س) در آبادان (ششم و هشتم اسفند ۱۳۶۴).
بیماران شیمیایی بیمارستان صحرائی ۵۲۸ سومار (دهم دی ماه ۱۳۶۵).
در آمارهای اولیه تلفات، این حمله ۴۰۰ مصدوم و ۲۰ شهید ذکر شده که در روزهای بعد به تدریج افزایش یافت. چند تن از پزشکان متخصص و استایید جراحی نیز در این حمله ناجوانمردانه به شهادت رسیدند.
عوامل اعصاب که ساختمان شیمیایی آنها شباهت زیادی به سموم علفکش و آفتکش دارد، عوامل بسیار کشنده و سمی است که اولین بار توسط دانشمندان شیمی دان آلمانی در

در جنگ با ایران که ارتش عراق که خود را در آستانه سقوط می‌دید اقدام به ارتکاب یکی از پلیدترین جنایات جنگی تاریخ معاصر کرد و برای اولین بار پس از جنگ اول جهانی به کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان و مردم بی‌دفاع ایران روی آورد.

سال‌های قبل از جنگ دوم جهانی ساخته شدند. این عوامل که جزو ترکیبات سمی ارگانوفسفره می‌باشند پس از استنشاق یا جذب از راه بافت‌های مختلف بدن با ایجاد اختلال در انتقال پیام‌های عصبی باعث بروز اختلال در تنفس، دید، هوشیاری، فشار خون و ضربان قلب و سایر اعمال حیاتی بدن شده و می‌تواند به سرعت فرد مصدوم را از پای در آورد.

با وجود انباشته بودن زرادخانه‌های تسلیحاتی آلمان به این گاز کشنده در طول جنگ دوم جهانی و نیز دستیابی سایر کشورها از جمله آمریکا و شوروی در طول جنگ سرد به این سلاح‌های کشنده، گازهای اعصاب هیچ‌گاه در جنگ‌ها مورد استفاده واقع نگردید و ماهیت غیرانسانی این سلاح‌ها همواره مورد نکوهش

واقع می‌شد. رژیم عراق برای اولین بار ضمن استفاده وسیع از انواع عوامل اعصاب (تابون - سارین - سومان) از انواع ابزارهای جنگی از جمله بمب، راکت، گلوله‌های توپ، خمپاره و کاتوشای مجهز به این گازهای مهلک استفاده کرد.

به دنبال شدت یافتن کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم عراق و به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، اولین گروه حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد متشکل از چهار کارشناس برجسته سلاح‌های شیمیایی از کشورهای سوئد، استرالیا، اسپانیا و سوئیس در اسفند ماه ۱۳۶۲ (مارس ۱۹۸۴) به دستور دبیرکل سازمان ملل به ایران اعزام شدند.

این هیئت در مدت اقامت خود در ایران ضمن معاینه مصدومین و نمونه برداری از مناطق آلوده و مشاهده بمب‌های شیمیایی منفجر نشده گزارش رسمی خود را اعلام و این گزارش در روز ۲۶ مارس ۱۹۸۴ تسلیم شورای امنیت شد. در این گزارش به صراحت کاربرد گاز خردل و عامل اعصاب (تابون) علیه رزمندگان ایرانی مورد تأیید قرار گرفت.

شورای امنیت در تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ با صدور بیانیه‌ای بدون ذکر نام عراق به عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی، طرفین جنگ را به پایبندی به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو دعوت کرد. بدیهی است صدور بیانیه - که برخلاف قطعنامه الزام‌آور نبوده و فاقد ضمانت اجرایی است - آن هم بدون ذکر نام کشور خاطی و با محافظه‌کاری فراوان، هیچ تأثیری بر ادامه روند جنایات جنگی رژیم عراق نداشت و در ماه‌های بعد به ویژه در اسفند ماه ۶۳ (در عملیات بدر در جزایر مجنون) و نیز در عملیات والفجر ۸ در بهمن ماه ۶۴ تا فروردین ۶۵ ارتش عراق در مقیاس وسیع تری از انواع سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد.

به درخواست رسمی جمهوری اسلامی ایران، دبیرکل سازمان ملل آقای دکتر مانوئل دومینگوئز (یکی از چهار کارشناس قبلی) را مأمور معاینه مصدومین شیمیایی ایران که در بیمارستان‌های اروپایی بستری بودند، کرد. بدین ترتیب دومین گزارش کارشناسی که در آن کاربرد سلاح شیمیایی علیه ایران تأیید شد بود، در آوریل ۱۹۸۵ توسط دبیرکل سازمان ملل به شورای امنیت تسلیم شد.

سومین گروه کارشناسی سازمان ملل به دنبال حملات وسیع شیمیایی عراق در منطقه فاو (عملیات والفجر ۸) در مارس ۱۹۸۶ (اسفند ماه ۱۳۶۴) به ایران اعزام شد. این هیئت ضمن مصاحبه با تعداد زیادی از مصدومین شیمیایی در بیمارستان‌های اهواز و تهران از جمله تعدادی از اسرای عراقی که با صراحت به کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق اعتراف کردند، گزارش مفصلی مبنی بر کاربرد گاز خردل و اعصاب علیه رزمندگان ایران را به دبیرکل ارائه کردند که در ۱۶ مارس ۱۹۸۶ به شورای امنیت تسلیم گردید. با انتشار این گزارش و نیز انعکاس وسیع تصاویر مربوط به مصدومین شیمیایی ایران که برای معالجه در بیمارستان‌های اروپایی از جمله در انگلیس، بلژیک، آلمان، هلند، سوئد و اسپانیا بستری بودند و تحت تأثیر افکار عمومی جهان، شورای امنیت در بیانیه ۲۱ مارس ۱۹۸۶ به ناچار و برای اولین بار از عراق به عنوان بکار برنده سلاح شیمیایی علیه ایران نام برد اما همچنان از صدور قطعنامه و اقدام عملی علیه این جنایت جنگی امتناع ورزید.

در فروردین ماه ۱۳۶۶ و در منطقه عملیاتی کربلای ۸ (شرق بصره) عراق اقدام به حملات سنگین شیمیایی با گازهای کشنده اعصاب کرد. در این حملات به صورت وسیع از عامل مهلک «سارین» استفاده شد. همچنین برای اولین بار در طول جنگ از موشک‌های کاتیوشا حاوی گازهای اعصاب بر علیه اهداف مختلف از جمله «مرکز تصفیه آب خرمشهر» استفاده شد و اکثر کارگران آن تصفیه‌خانه که از اهالی بومی منطقه بودند به شهادت رسیده یا مصدوم شدند. همچنین در ابتدای سال ۶۶ مناطق وسیعی در کردستان عراق و ایران مورد حملات شیمیایی واقع شد، لذا چهارمین گروه کارشناسی سازمان ملل در اردیبهشت ۱۳۶۶ به ایران سفر کرد و ضمن تأکید بر کاربرد سلاح شیمیایی علیه غیرنظامیان جزئیاتی راز و وضعیت تاسف‌بار زنان و کودکان مصدوم در بیمارستان‌های تهران بیان کردند. از جمله موارد

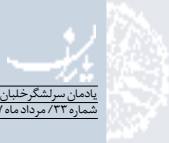
توسط ارتش عراق در طول ماه‌های اولیه جنگ گردید که ناشی از عدم آمادگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برای رویارویی تهاجم وسیع عراق به ویژه در شرایط خاص پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود.

با تجدید قوای نیروهای رزمنده و آغاز عملیات آفندی علیه ارتش عراق به تدریج سرزمین‌های اشغال شده آزاد گردید که اوج آن حماسه خرداد ۱۳۶۱ و آزادسازی خرمشهر بود. پس از آن سلسله عملیات نظامی موفقیت‌آمیزی نیز انجام شد که ضمن کشاندن جبهه نبردها به خاک دشمن، تهدیدی جدی برای نقاط استراتژیک درون خاک عراق از جمله بندر مهم و سوق الجیشی بصره و جزایر نفت خیز مجنون در جنوب و ارتفاعات مهم کردستان عراق به شمار می‌رفت.

در چنین شرایطی و با تغییر موازنه نظامی جنگ به سود ایران، ارتش عراق که خود را در آستانه سقوط می‌دید اقدام به ارتکاب یکی از پلیدترین جنایات جنگی تاریخ معاصر کرد و برای اولین بار پس از جنگ اول جهانی به کاربرد وسیع سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان و مردم بی‌دفاع ایران روی آورد.

هرچند در طول سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ ارتش عراق در جبهه‌های غرب و میانی به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد، اما وسیع‌ترین حملات شیمیایی در طول عملیات خیبر (اسفند ۶۲ در جزایر مجنون)، عملیات بدر (اسفند ۶۳ در جزایر مجنون)، عملیات والفجر ۸ (بهمن ۶۴ تا فروردین ۶۵ در فاو) کربلای ۴ و ۵ و ۸ (دی ماه تا فروردین ۶۶ در شرق بصره و شلمچه) والفجر ۱۰ (اسفند و فروردین ۶۷ در کردستان عراق - حلبچه) و تک‌های متعدد ارتش عراق از فروردین ۶۷ تا پایان جنگ (مرداد) بود که در جبهه‌های مختلف اتفاق افتاد. برای اولین بار در طول تاریخ، رژیم عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه مردم غیرنظامی در مناطق مسکونی ایران و کردستان عراق استفاده کرد که منجر به شهید و مصدوم شدن هزاران نفر از مردم بی‌دفاع فاو گردید. اوج این جنایات بمباران شیمیایی شهر «سردشت» در استان آذربایجان غربی بود که در هفتم تیرماه ۱۳۶۶ منجر به شهید و مصدوم شدن بیش از ۴۵۰۰ نفر از مردم این شهر شد.

علاوه بر این شهر روستاهای اطراف پانه (فروردین ۶۶)، شهر حلبچه (اسفند ۶۶)، روستاهای اطراف مریوان (اسفند ۶۶ و فروردین ۶۷)، شهر نودشه (فروردین ۶۷)، روستاهای اطراف سرپل ذهاب (مرداد ۶۷) و شهر اشنویه (مرداد ۶۷) نیز هدف



آنجا که منافع کشورهای قدرتمند اقتضا می‌کند، شورای امنیت همچون ابزاری در دست گردانندگان سیاست جهانی بلافاصله وارد عمل می‌شود.

در بامداد روز دوم اوت ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ماه ۱۳۶۹) رژیم عراق با حمله به کویت این کشور را اشغال کرد. از آنجا که این اقدام عراق تهدیدی برای منافع آمریکا و کشورهای غربی و بهانه‌ای برای تضعیف ارتش عراق بود - که در فاصله پس از جنگ با ایران با دستیابی به انواع سلاح‌های مخرب و دانش نظامی تهدیدی برای غرب به شمار می‌رفت.

اقدامات ذیل توسط شورای امنیت صورت گرفت: به فاصله چند ساعت از حمله عراق و در همان روز شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۶۰ ضمن محکوم کردن این تهاجم خواستار خروج فوری و بدون قید و شرط عراق از این کشور شد. کمتر از چهار روز از تهاجم عراق، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۶۱ ضمن اعمال تحریم‌های گسترده، بایکوت کاملی را در روابط تجاری، اقتصادی و مالی عراق ایجاد کرد و همچنین توسل به زور را نیز مجاز شمرد. در این قطعنامه شدیدترین تحریم‌های ممکن علیه یک کشور در تاریخ حیات سازمان ملل گنجانده شده است. این تحریم‌ها به کلیه وسایل حمل و نقل از جمله هواپیما نیز تیزی یافت و روابط عراق با جهان خارج را قطع کرد.

تنها در طول چهار ماه اول پس از تهاجم عراق به کویت، شورای امنیت اقدام به صدور ۱۲ قطعنامه کرد که از لحاظ قاطعیت، تسلسل، سرعت و تأثیرگذاری از تاریخ تأسیس سازمان ملل متحد تاکنون بی سابقه بوده است. تعداد این قطعنامه‌ها بعدها به ۲۴ قطعنامه رسید.

در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ شورای امنیت با صدور قطعنامه ۶۷۸ ضمن مجاز شمردن توسل به زور و اقدامات فحش‌آمیز علیه عراق، برای خروج از کویت - که مبنای حمله گسترده نیز وهای آمریکا و متحدین به عراق گردید - موضوعات مربوط به خلع سلاح عراق، پرداخت خسارت توسط عراق و... را همچون پیمان صلحی که فائزترین علیه کشور مغلوب در جنگ به دلخواه خود ترسیم می‌کنند، به عراق تحمیل کرد.

با گذشت دو دهه از فاجعه کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه ایران، هنوز پیامدهای انسانی و زیست محیطی کاربرد این سلاح‌های سمی تهدیدی جدی برای سلامت قربانیان و محیط زیست منطقه به شمار می‌رود و دهها هزار نفر از قربانیان این سلاح‌ها در کشور ما هنوز از عوارض و صدمات مزمن ناشی از بکارگیری سلاح‌های ممنوعه شیمیایی و سمی رنج می‌برند.

علیه ایران توسط رژیم عراق بدون شک جنایت علیه بشریت، نقض آشکار قوانین بین‌المللی و جنایت جنگی به شمار می‌رود.

با این حال، سکوت مجامع بین‌المللی در قبال این جنایت، گنجانیده نشدن این جنایات در فهرست اتهامات صدام در دادگاه جنایتکاران حزب بعث و حتی سعی در انکار و تحریف این واقعت که ایران - پس از ژاپن بزرگترین قربانی سلاح‌های کشتار جمعی است، لزوم اطلاع رسانی وسیع و موثر برای مطلع کردن افکار عمومی جهانیان درباره این جنایت جنگی

بی سابقه را آشکارتر می‌سازد.

نیروی هوایی و ابزارهای پیشگیرانه

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران پس از آن که این جنایات را دید، کوشید با ظرافت و دلبری دشمن را پیش از ورود به خاک های ایران اسلامی زمین گیر کند. از جمله این رشادت‌ها، تغییر دفاع تاکتیکی - پرواز در ارتفاع پایین، دور نگهداشتن خود از چشم رادار و مقابله به مثل - بود که دشمن به این واسطه نمی توانست هوایماهای ما را ردیابی کند. پس از وقایع سردشت، و بمباران های شیمیایی، تیز پروازان ارتش کوشیدند با پاک سازی ارتفاعات، ضربه سختی به دشمن وارد سازند. ■

رژیم عراق بدون هیچ‌گونه مانعی در مقابل دیدگان جهانیان یکی از بزرگترین و شرم‌آورترین جنایات جنگی تاریخ معاصر در هفتم تیر ماه ۱۳۶۶ رقم زد و با بمباران شیمیایی شهر سردشت هزاران نفر از زنان و کودکان و مردم غیرنظامی این شهر را هدف گاز ناتوان کننده خردل قرار داد.

عراق بازدید و دو گزارش رسمی دیگر مبنی بر تأیید کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط رژیم عراق منتشر و به شورای امنیت ارسال داشتند. در گزارش دوم که پس از حمله شیمیایی عراق به مناطق اطراف شهر اشنویه تهیه شد، به صراحت به مصدومیت کودکان و مردم غیرنظامی اشنویه توسط گاز خردل اشاره شد. با ارسال گزارش تکان دهنده بازرسان سازمان ملل به شورای امنیت و تأثیر جامعه جهانی از قربانی شدن هزاران نفر از مردم بی‌گناه با سلاح‌های غیرانسانی شیمیایی، شورای امنیت مجبور به اقدام علیه جنایات رژیم عراق شد. این در حالی بود که جمهوری اسلامی ایران در ۲۷ تیر ماه ۱۳۶۷ به طور رسمی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را اعلام کرد و مذاکرات دیپلماتیک مربوط به جنگ و اعلام آتش‌بس در حال انجام بود و سرانجام در ۱۲ اوت ۱۹۸۸ (۲۹ مرداد ماه ۱۳۶۷) آتش‌بس رسمی در جبهه‌های جنگ اعلام و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران پس از هشت سال به پایان رسید، بدون آنکه شورای امنیت موضع‌گیری قاطعی علیه حملات شیمیایی عراق از خود نشان دهد.

بالاخره شورای امنیت در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۲۵ خود طرح قطعنامه‌ای را که توسط آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد شده بود تحت عنوان قطعنامه ۶۲۰ تصویب کرد و در آن برای اولین بار از ایران به عنوان قربانی سلاح‌های شیمیایی در جنگ نام برده شد و خواستار کنترل صادرات مواد شیمیایی مورد استفاده در ساخت سلاح



شیمیایی و نیز واکنش سریع در مقابل کاربرد این سلاح‌ها در آینده گردید. اما چه سود که این قطعنامه پس از پایان جنگ صادر شد و نوش دارویی از مرگ سهراب بود!

فاصله با واقعیت

همان‌گونه که ملاحظه شد فاصله بین اولین گزارش رسمی کارشناسان سازمان ملل در تأیید کاربرد سلاح شیمیایی در جنگ عراق علیه ایران تا اولین قطعنامه شورای امنیت در این خصوص چهار سال بود و این قطعنامه نیز بدون نام بردن از عراق، فاقد تدابیر اجرایی برای متوقف ساختن حملات شیمیایی بود. دومین قطعنامه نیز پس از اعلام آتش‌بس و پایان جنگ صادر شد و در عمل فاقد ارزش بود، در حالی که در سایر مناقشات بین‌المللی و

تکان دهنده، گزارشی است که از مصدومین روستای آلوت در بانه و مادر بارداری تهیه شده بود که در اثر جراحات ناشی از گاز خردل به همراه دختر خردسالش به شهادت رسید.

دیرکل ضمن ارسال این گزارش به شورای امنیت، طی نامه‌ای از سیر روزافزون حملات شیمیایی عراق و هدف قرار گرفتن غیرنظامیان و نقض مکرر پروتکل ۱۹۲۵ ژنو عمیقاً ابراز نگرانی کرد و به دنبال آن شورای امنیت در بیانیه ۱۴ می ۱۹۸۷ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۶) از ادامه و تشدید کاربرد سلاح شیمیایی توسط عراق علیه ایران به ویژه غیرنظامیان ابراز نگرانی کرد اما همچنان هیچ اقدام عملی برای متوقف ساختن جنایات عراق صورت نپذیرفت. با وجود صدور این بیانیه‌ها و به دلیل فقدان محکومیت جدی و اقدامات عملی از سوی شورای امنیت، رژیم عراق بدون هیچ‌گونه مانعی به حملات شیمیایی خود ادامه داد تا آنجا که در مقابل دیدگان جهانیان یکی از بزرگترین و شرم‌آورترین جنایات جنگی تاریخ معاصر در هفتم تیر ماه ۱۳۶۶ رقم زد و با بمباران شیمیایی شهر سردشت هزاران نفر از زنان و کودکان و مردم غیرنظامی این شهر را هدف گاز ناتوان کننده خردل قرار داد. چگونگی این حادثه و آمار شهدا و مصدومین آن طی گزارشی رسمی متعددی به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل رسید. حتی در یکی از گزارش‌ها تصاویر متعددی از مصدومین این فاجعه نیز ضمیمه شد اما علی‌رغم درخواست‌های مکرر ایران، هیچ هیئت کارشناسی برای بررسی این حادثه اعزام نشد.

به دلیل سکوت مرگبار مجامع جهانی، متعاقب عملیات پیروزمند والفجر ۱۰ در جبهه‌های شام‌الغرب و شکست جبران‌ناپذیر ارتش عراق، جنایتی بزرگتر رقم زده شد و رژیم عراق شهر حلبچه و مناطق اطراف آن را در بی سابقه‌ترین حملات شیمیایی طول جنگ هدف قرار داد.

طبق آمارهای رسمی که به همراه تصاویر مصدومین و شهدای فاجعه حلبچه به شورای امنیت ارسال شد، در این فاجعه کم‌نظیر حدود پنج هزار نفر شهید و بیش از هفت هزار نفر مصدوم شدند. علی‌رغم اینکه مقامات کشورمان جزئیات این حادثه را به اطلاع سازمان ملل رسانده و به طور رسمی درخواست اعزام تیم تحقیق کردند اما شورای امنیت به این بهانه که حادثه در داخل خاک عراق رخ داده است، از بررسی موضوع خودداری کرد. با این حال دبیر کل سازمان ملل تصمیم گرفت کارشناس پزشکی برگزیده

خود دکتر دومینگوئز را دوباره به ایران اعزام کند. وی از ۲۸ تا ۳۱ مارس ۱۹۸۸ از ایران و از ۱۱ تا ۱۴ آوریل از عراق (بغداد و سلیمانیه) بازدید کرد و در گزارش مورخه ۲۵ آوریل خود مجدداً کاربرد وسیع گازهای اعصاب و خردل را به ویژه علیه غیرنظامیان تأیید کرد.

به دنبال انتشار وسیع اخبار فاجعه حلبچه توسط رسانه‌ها و مطبوعات در سراسر جهان و بازدید خبرنگاران خارجی از منطقه و مشاهده اجساد زنان و کودکان و مردم بی‌دفاع و فشار افکار عمومی و خشم و انزجار مردم کشورهای مختلف جهان از این جنایت، شورای امنیت سرانجام طرح قطعنامه‌ای را که توسط جمهوری فدرال آلمان، ایتالیا و ژاپن تهیه شده بود، مورد بررسی قرار داد و در تاریخ ۹ می ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷) در جلسه شماره ۲۸۱۲ خود قطعنامه ۶۱۲ را به اتفاق آرا تصویب کرد. با گذشت چهار سال از گزارش‌های رسمی بازرسان سازمان

ملل در تأیید کاربرد سلاح شیمیایی توسط رژیم عراق، این قطعنامه اولین قطعنامه سازمان ملل در این باره بود اما متأسفانه در این قطعنامه نیز کوچک‌ترین ذکری از نام عراق به عنوان بکار برنده سلاح‌های شیمیایی نشد، ضمن اینکه هیچ اقدام عملی بازدارنده‌ای نیز در این قطعنامه مطرح نگردیده است. ناکارآمد بودن قطعنامه ۶۱۲ و نام نبردن از عراق به عنوان عامل حملات شیمیایی باعث شد تا این قطعنامه نیز عملاً هیچ تأثیری در متوقف ساختن حملات شیمیایی عراق نداشته باشد. با تداوم حملات شیمیایی وسیع عراق و به درخواست جمهوری اسلامی ایران، تیم‌های کارشناسی سازمان ملل دو بار در جولای ۱۹۸۸ (تیرماه ۶۷) و اوت ۱۹۸۸ (مرداد ماه ۶۷) از مناطق جنگی ایران و